

خبرها

کنسرت گروه موسیقی نغمه با ترکیب تازه
میراث‌خبر : گروه موسیقی نغمه با ترکیب تازه و گسترده‌تر در نیمه دوم سال ۸۵ به اجرای کنسرت می‌پردازد. آذر هاشمی سرپرست گروه موسیقی نغمه گفت : «در حال حاضر گروه موسیقی نغمه از هشت نوازنده خانم تشکیل شده‌است اما تصمیم داریم آقامانی را هم به این گروه دعوت کنیم و کنسرت‌هایی با ترکیب تازه گروه در نیمه دوم سال اجرا کنیم که آقامان هم بتوانند از آن استفاده کنند.
»او ادامه داد: «فادر اسماعیلی از خوانندگان جوان صدا و سیما که هم خواننده موسیقی سنتی است و هم خواننده موسیقی پاپ، گروه را همراهی می‌کند.
» آذر هاشمی مدتی پیش به همراه عبدالحسین مختاباد برای اجرای کنسرت به پاریس رفته بود. او در حال حاضر نیز مشغول آهنگسازی چند قطعه تازه برای برنامه‌های تلویزیونی صدا و سیما است. آذر هاشمی همچنین در دو دوره آخر جشنواره موسیقی گل یاس، ویژه بانوان دبیر این جشنواره بود.

اجرای آثار موتسارت در اتریش

فارس : هم‌زمان با دویست و پنجاهمین سال تولد «موتسارت» ۲۲ اپرای این آهنگساز اتریشی در سالزبورگ اتریش نواخته خواهد شد. در این جشنواره ضمن اجرای ۲۲ اثر برجسته موتسارت جشن‌های متعددی به مناسبت دویست و پنجاهمین سالروز تولد این آهنگساز مشهور اتریشی برگزار خواهد شد. «ولفگانگ آمادئوس موتسارت» سال ۱۷۵۶ در سالزبورگ اتریش دیده به جهان گشود و در سه‌سالگی به نواختن هارپ (چنگ) پرداخت و در پنج‌سالگی نخستین کنسرتش را اجرا کرد. در سال ۱۷۸۶ اپرای عروسی فیگارو و نی سحرآمیز را ساخت. سپس اپرای معروف دون ژوان را در وین آفرید. سه سقوفی ۲۹، ۴۰ و ۴۱ رادر سال ۱۷۸۸ از خود به یادگار گذاشت و در سال ۱۷۹۱ آهنگسازی اپرای سوگ را به پایان رساند و در همین سال روح موسیقی جهان در ۳۶سالگی به پرواز درآمد و جهان را ترک گفت.

افزایش فروش آهنگ‌های اینترنتی



آمار به دست آمده نشان می‌دهد که در آمریکا فروش موسیقی پیاده شده از اینترنت، در شش ماهه اول سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۷۷ درصد افزایش یافته است. در این مدت بیش از ۱۴ میلیون آلبوم کامل موسیقی که از اینترنت پیاده شده بود خریده شد. این رقم در مدت مشابه در سال ۲۰۰۵ حدود ۶/۵ بود. تاکنون پرفروش‌ترین آلبوم‌های سال، آلبوم‌های مری بلایچ، جیمز بلانت و کاری آندروود بوده است. افزایش فروش آلبوم‌های موسیقی معروف به موسیقی کاترِی، اندکی بیش از ۱۷ درصد بوده است. کاهش در فروش آلبوم‌های موسیقی در بازار، در سال جاری، تا حدودی به دلیل کمبود تولید آهنگ‌های موفق تا این موقع سال است. در حالی که در اوایل سال ۲۰۰۵ ماریاکری و گروه موسوم به ۵۰ سنت، چندین آلبوم بسیار موفق وارد بازار کرده بودند. ولی جف میفیلد، مدیر مجله موسیقی بلبورد، می‌گوید با توجه به اینکه در نیمه‌اول امسال آلبوم‌های موسیقی موفق نداشته‌ایم اینکه از نظر فروش تنها ۴ درصد از سال گذشته عقب هستیم حقیقتاً بد نیست. اگرچه فروش‌های دیجیتال در حال افزایش است، هواخواهان واقعی موسیقی در خرید آلبوم‌های کامل موسیقی پیاده شده از اینترنت، تردید دارند و ترجیح می‌دهند خودشان آهنگ‌هایی را که می‌خواهند خریداری کنند انتخاب کنند. جف میفیلد، می‌گوید مدت طول خواهد کشید تا صنعت فروش دیجیتال موسیقی، بتواند توجه تمام علاقه‌مندان موسیقی را جلب کند.

برنامه جدید یو ۲

ایلنا : گروه «یو ۲» برای تور کنسرت‌های نیوزیلند، استرالیا، ژاپن و هاوایی که به خاطر مریض شدن یکی از بستگان یکی از اعضای گروه به تأخیر افتاده بود، برنامه جدیدی ارائه می‌کند. آنها در ماه نوامبر مجموع هشت شب در اکلند، آدلاید، برلین، بین، ملبورن و سیدنی اجرا خواهند داشت و «کتی وست» نوازنده هم همراه آنها است. پیش از آن که تور «وریتیگو سرکیچ» روز ۹ دسامبر در هونولولو به پایان برسد، سه کنسرت هم در توکیو برگزار می‌شود. گروه راک «پرل جم» هم در کنسرت پایانی به اجرا می‌پردازد. «پل مک‌گینس»، مدیر گروه «یو ۲» گفت که گروه از پیوستن «پرل» بسیار خوشحال است و شب بسیار باشکوه‌ای را در هاوایی «وریتیگو» می‌پوشش می‌کند. لازم به ذکر است که تور «وریتیگو» در ماه مارس ۲۰۰۵ در سن دیگو آمریکا آغاز شد و در آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی و اروپا اجرا داشت. کنسرت‌هایی که شامل تغییر برنامه می‌شوند قرار بود که در مارس و آوریل ۲۰۰۶ اجرا شوند.

رولینگ استونز در فهرست پرودآمدترین گروه‌های موسیقی

ایلنا : رولینگ استونز که به تازگی کنسرت‌های به تعویق افتاده تور خود را در اروپا آغاز کرده صدرنشین گروه‌های برگزارکننده تور جهان در نیمه اول سال ۲۰۰۶ است. تور بزرگتر این گروه از مجموع ۴۵ برنامه در آمریکا استودیوم‌های جهانی که از اول نوامبر ۲۰۰۵ شروع شده ۱۴۷/۳ میلیون دلار فروش داشته است. گروه یو ۲ بر طبق این آمار بعد از رولینگ استونز در رتبه دوم قرار دارد و هر چند بعید به نظر می‌رسد که در هر شرایطی بتواند جایش را با استون‌ها عوض کند اما اگر به خاطر لغو و به تأخیر افتادن مجموعه‌ای از کنسرت‌هایش به برخی دلایل خانوادگی نبود قطعاً حضور قوی‌تر و آثار فروش بیشتری می‌داشت.

تام یورک نمونه عدم تقارن است. جثه‌ای کوچک پوشیده در شلوار چین کهنه که با ظرافت تعمیر شده، تی شرت خاکستری و ژاکت تیره‌رنگ، بسیار مودب و متواضع می‌نشیند و برای گفت‌وگو آماده است، در هتلی در مرکز منهتن که سعی دارد به طرز اغراق‌آمیزی مینی‌مال جلوه کند اما به قول تام یورک (با پوزخند): «به شکلی ارزان قیمت!»

موهای بلوند تام‌تاوزان کوتاه شده‌است و در چهره درخشان و روباه‌مانندش، چشم راست به وضوح بزرگتر از چشم چپ است. پشانی‌اش گهگاه در بالای آبروی چین‌چین‌دار می‌شود که این کار نگاهش را با توطئه‌گری همراه می‌نماید.

عدم‌تقارن در موسیقی او نیز قابل ملاحظه است: هم در اولین آلبوم تک‌تراشه‌اش The Eraser با پاک‌کن و هم در همراهی با ریدیو‌ها که در طول یک دهه فعالیت جزء ده گروه برتر راک تجربی به‌شمار می‌آید. کشمکش درونی آشکارا بر آثار ریدیو‌هد حکومت می‌کند، در حالی که ریتم‌ها قوانین استاندارد راک (۴/۴) را می‌شکنند، سروصداهای مختلف به داخل ملودی‌های سرگرمی می‌کشند، و درد شیرین صدای تام یورک امواجی از اضطراب را درون موسیقی می‌کشاند.

در حالی که سلبقه عمومی مخاطبان به سمت تنوع‌طلبی پیش می‌رود، ریدیوهد همچنان جمع عظیم طرفداران متعصب خود را دارد که هم آثار گروه را به صد جداول می‌کشانند و هم دنیای اینترنت را با انبوهی از وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها تسخیر می‌کند. گروه، طرفداران خود را نه با ارائه فرمول‌های موفق پیشین خود بلکه هر بار با از بین بردن فرمول‌ها نگه می‌دارد: هر یک از آلبوم‌های ریدیوهد زاویه‌ای جدید را آشکار می‌کند و معمایی جدید طرح می‌کند.

اعضای گروه ریدیوهد – تام یورک فیل سلوی نوازنده درام، کلین گرین نوازنده بیس، اد اوپریان نوازنده گیتار و جانی گرین وود نوازنده گیتار، کیبورد و آلات الکترونیکی – یکدیگر را زمانی ملاقات کردند که همگی در مدرسه‌ای نزدیک آکسفورد انگلستان درس می‌خواندند. اولین آلبوم قابل توجهی که آنها تحت نام ریدیوهد عرضه کردند، Ok Computer بود که در سال ۱۹۹۲ به بازار آمد و مملو از هشدارهایی هراس‌آور درباره از دست رفتن صفات انسانی بود. سپس ریدیوهد شروع به ارائه آثاری کرد که بیشتر بر استفاده از اصوات ناموزون و ناهماهنگ الکترونیکی و همچنین استفاده گسترده از کیبورد به جای گیتار تکیه داشت، آلبوم‌های مانندA Kid and Amnesiac. اما آلبوم سال ۲۰۰۳ یعنی Hail to the Thief توانست با آمیزش صدای گیتار راک و اصوات الکترونیکی صدایی مطلوب و قابل توجه عرضه کند.

ردیدیوهد قرن بیست و یکمی موسیقی باثابت، پیچیده و ناسازگار را به‌نام خود ثبت کرده و صدای تام یورک به‌عنوان خواننده، چه با ریدیوهد و چه بدون آن، معرف نوعی اضطراب دلنشین است: «اینکه صدام زیا است مرا آزرده می‌کند. شاید این حرف را می‌توانید بدانید. اما واقعاً وقتی می‌دانم آنچه می‌خوانم عمیقاً دردناک است، زیبایی و تراکت صدام آرام می‌دهد.» آلبوم بعدی ریدیوهد ممکن است به این زودی‌ها به دست نیاید. پس از آلبوم سال ۲۰۰۳ قرارداد گروه با کمپانی EMI به پایان رسید و با وجود تعدد کمپانی‌های بزرگ و کوچک مشتاق به بستن قرارداد با ریدیوهد، گروه هنوز تصمیم قطعی در این باره نگرفته است، مانند در این برخ اقتصادی از سویی آزادی است و از سویی بی‌نظمی. ریدیوهد مشهورترین گروه بدون قرارداد به حساب می‌آید: «چرا باید بخواهیم با تجارتی که از درون در حال انفجار است قرارداد ۴ آلبومی ببندیم؟!»

پس از تور آلبوم Hail to the Thief که موفقیت چشمگیری در چهار قاره جهان برای گروه به همراه آورد و در فستیوال کوچلا در سال ۲۰۰۴ به پایان رسید، ریدیوهد در سکوت عمیقی فرورفت. هیچ خبری از آلبوم جدید یا تور

ژرار گریسی (Gerard Grisey) ۹۸–۱۹۴۶، آهنگساز و تئوریسین و یکی از بنیان‌گذاران مکتب اسپکترال، پس از گذراندن دوره آهنگسازی در کنسرواتوار پاریس و کلاس‌های اکول نرمال به مطالعات آکوستیک در دانشگاه «پاریس شش» روی آورد و در همین حال در موسسه پژوهش‌های تطبیقی آکوستیک / موسیقی (IRCAM) به خرد عملی درباره نظریات موسیقی – صوت‌شناسی مشغول شد. او پس از اخذ درجه دکترا از دانشگاه کالیفرنیا به اروپا بازگشت و مطالعات، تدریس و آهنگسازی را در کنسرواتوار ملی پاریس و IRCAM ادامه داد. ژرار گریسی در یازدهم نوامبر ۱۹۹۸ در پاریس درگذشت.

● ● ●

برای بحث درباره موسیقی اسپکترال (طینی) بدون هیچ شک باید دیدگاه و آثار گریسی مورد توجه قرار گیرد. همچنین با بررسی آثار او می‌توان تا اندازه بسیار زیادی با روند موسیقی پست‌سریالیستی به خصوص در فرانسه آشنا شد.
■ **زمان**

مفهوم زمان در موسیقی یکی از بحث‌انگیزترین مسائل در گستره نظری و عملی، حداقل از چهارده پیش تا به امروز بوده‌است. زمان کروئومتریک که به وسیله آهنگساز می‌توانند در قطعه‌ای تجسم یابد. توانایی آهنگساز در محسوس کردن زمان به تجسم خلاق او از مفهوم اجرا، روش عمل و قابلیت‌های تکنیکی او در آهنگسازی بستگی دارد. آهنگساز با این قابلیت‌ها می‌تواند تأثیری ذهنی – روانی بر سیستم‌دارکی مخاطب بگذارد. نظریات گریسی همواره معطوف به زمان بوده است، مفهومی که به وسیله آهنگساز می‌تواند سامان یابد. آهنگساز در این موقعیت کسی است که به مانند آفریننده کل قادر خواهد بود به انسان معاصر «توانایی تجربه‌ای خالص از احساس زمان گذرنده» را ارائه دهد. گریسی معتقد بود که تنها راه تجسم بخشی به زمان، «برش آن» و وسیله رسانه‌ای چون موسیقی است. روشی همگام با عصر نوین. زمانه رخدادهای بی‌سابقه که تنها به وسیله هنرمند محافظت و ضبط می‌شود. البته به شرط آنکه هنرمند بتواند در برابر شرایط و محیط نوین از خود مقاومت و ایستادگی نشان دهد. این جهان عرصه‌ای است متناقض‌نما که هم هنرمند – آهنگساز را در اختیار خود

موسیقی

درباره فعالیت‌های گروه ریدیوهد

بهرتر است یک دانای بی‌سواد باشم

ترجمه : *آزاده فرامرزی* ها



جدیدی در کار نبود: «ما همه انرژی خود را از دست داده بودیم و این بسیار سخت بود که بخواهیم در خود انگیزه دوباره ایجاد کنیم. وقتی می‌گویم انرژی منظم فقط تمرین کردن و ساز زدن نیست، منظوم دور هم جمع شدن، ایده داشتن و بحث و مبادله ایده‌ها است. این از دست دادن انرژی چیزی است که شبیه عادت درمی‌آید، بعد از مدتی ناگهان به خود می‌آیی و می‌بینی یک جای کار اشکال دارد، تمرین در جریان است ولی اتفاقی در آن روی نمی‌دهد.»

پس از آن تام یورک در یک دوره عمیق افسردگی فرو رفت:

«من تمامی اعتماد به‌نفسم را از دست داده بودم، برای یک سال تمام، دوستانم را به‌شدت خسته کردم.» این دوره یک‌ساله با آلبوم جدید یعنی پاک‌کن و توری که ریدیوهد اکنون در میانه آن به‌سر می‌برد پایان یافت. حالا تام یورک برای ده‌هازار نفر از طرفدارانش در سراسر جهان می‌خواند، فقط کمی خجالتی‌تر شده است یا شاید کمی محتاط‌تر!

پاک‌کن آلبوم تک‌تقره او است. اگرچه خود تام یورک سازنده بسیاری از سروصداهای الکترونیکی آثار ریدیوهد بوده است، این آلبوم از نظر گسترده‌گی استفاده از این اصوات در حد انتظار طرفدارانش نیست. با این همه نمی‌توان گفت درد دل‌های یک خواننده است که با گیتار آکوستیکش درآمیخته باشد! این آلبوم مجموعه‌ای از ۹ آهنگ کوتاه، مختصر و ملودیک– الکترونیک است که تمی غمگین، هراسناک، یأس‌آلود و گیرا دارند. صدایی پاک‌کن قویاً افزا رواج است. کیبورد و سینتی‌سایزر اندک صدایی از خود تولید می‌کنند و ضربه‌های کم صدایی از درام در اطراف صدای یکنواخت تام یورک حلقه می‌زند که اشعاری غمگین را در حقیقت زمزمه می‌کنند. مخاطب بسیاری از شعرها «تو (You) است، انگار در آینه‌ای خیره شده و لالایی دلنگ‌کننده‌ای برای خود می‌خواند: «تمام این آهنگ‌ها تلاش من برای برخاستن است، چون واقعاً افتاده بودم. . . . می‌توان گفت. . . فرورفته بودم. تک‌گه‌های درونی من در آنها دیده می‌شوند، اما قضیه اصلاً گفتن لغت به لغت آنها نیست. شعر در نهایت امر به جایی می‌رود که خود می‌خواهد و این من نیست که می‌خواهم زبانه‌هایی از زندگی خودم جمع کنم و درون شعر بریزم. . . . تام‌یورک پنهانی بر روی این آلبومش کار می‌کرد، در لحظات فراغت تا تبلی – مثل همین لحظات در اتاق هتل– نه‌ک‌های

پژواک‌های درخشان

نگاهی به آثار ژرار گریسی و موسیقی اسپکترال

علیرضا امیرحاجی

می‌گیرد و هم الهام بخش او است.

جهانی منحصر به فرد که می‌تواند در او سؤال ایجاد کرده و ابهام‌آش را نمایان سازد. شاید این آهنگساز است که می‌تواند به این سیلان اطلاعات با نوعی از موسیقی پاسخ دهد که هم واجد یگانگی و هم دارای تداوم باشد. گریسی در درباره موسیقی خود می‌گوید: «موسیقی من آهست، کند و وزین است، این پژواک تلاش دنیایی است که به شکلی فزاینده سعی بر استیلا دارد؛

جهانی که با شتاب فراوان به انتهای زمان هجوم می‌برد.» گریسی همواره مجذوب «آهستگی – پیوستگی» بود. قطعات «آب و سنگ» ۱۹۷۳ (Deau et de pierre) برای دو گروه سازهای بادی، زهی و کوبه‌ای، اپیلوگ برای چهار خواننده و راکستر بزرگ همراه با قطعه «مشقات» ۱۹۷۴ (Derives) برای دو گروه همگی واکنشی به موسیقی سریال هستند. گریسی خواهان آفرینش و پرداخت اصولی نامتعطف، وزین و شدید بود. در اوایل دهه ۷۰ استیل موسیقی اروپا به شدت تحت تأثیر لیگیتی و اشتوک‌هاوزن قرار داشت. گسینخته و گفتارمحور بود. روش‌های موسیقی الکترونیک و مونتاژ به شکل انبوهی مورد توجه قرار می‌گرفت. از سمت دیگر، در آمریکا آثار نوین «استیو ریچ» بر مفهوم تکرار و موسیقی تکرار شونده تأکید فراوان می‌کرد. در همین حال موسیقی گریسی به تدریج در حال استحاله بود. او با اینکه به روش‌های لیگیتی و اشتوک‌هاوزن علاقه داشت اما معتقد شد که این روش‌ها نتوانستند مواد مورد نیاز خود را به شکلی کافی فراهم

بخش اول

سونوگرام به راحتی می‌توان صوت را به شکلی تصویری و زمانمند بازنمایی کرد. در روش سونوگرافی به اثبات رسید که صوت به مانند نور دارای طیف‌هایی است که تا قبل از آن امکان استخراج دقیق شان وجود نداشت. صوت پس از سونوگرافی دیگر پدیده‌ای خالص قلمداد نمی‌شد. آنالیز صوت همان تجزیه طیف هارمونیک یا جداسازی اصوات فرعی (نامحسوس) به هنگام تولید اصوات اصلی (محسوس) توسط آلات موسیقی است. اصوات فرعی یا همان اسپکتروم‌ها واجد فرکانس‌هایی بالاتر از اصوات اصلی هستند. اهمیت اصوات فرعی در این است که وجود یا عدم وجودشان و همچنین نوع توازنشان در ارتباط با صوت اصلی «طنین یا رنگ صوتی» را تعیین می‌کند. تعیین طنین و کیفیت آن باعث تشخیص «تفاوت» یک نت در دو ساز مختلف می‌شود. به طور مثال اگر نت Fa از دو ساز ویولن و پیانو استخراج شود تنها به وسیله بررسی کیفیت اصوات فرعی (هارمونیک‌ها) می‌توان به تفاوت آن دو پی‌برد. اصوات فرعی مواد خامی هستند که به گوش انسان می‌رسند. با تجزیه این اجزا و تشدید آنها می‌توان اتمسفری اسپکترال

نتیجه برپاری نداشت: «زیرا هیچ نقطه پایانی نبود، هیچ هدفی در بین نبود، گاهی برای متمرکز کردن یک گروه، ضرب‌الاجل ایده فوق‌العاده‌ای است.»

ردیدیوهد از جمله گروه‌هایی است که به‌شدت با فروش اینترنتی آثارش مخالف است، زیرا: «کمپانی‌های ضبط اساساً نمی‌خواهند برای داندلود کردن موسیقی از طریق اینترنت به گروه‌ها دستمزدی پرداخت کنند. . . . گروه‌ها مکانان مشغول بحث و مذاکره بر سر انتخاب کمپانی پخش آثارش است و اینکه حتی خود مسئولیت پخش آثار خود را به عهده بگیرد: «وقتی چیزی مال تو است می‌توانی بهترین راه را برای منتشر ساختن آن پیدا کنی.» اما او در این باره عقیده‌ای کلی دارد: «من در حال حاضر نمی‌خواهم خود را درگیر جنگ‌های همیشگی بر سر پیدا کردن کمپانی، بستن قرارداد و غیره کنم زیرا معتقدم که ساختار اقتصادی موسیقی در حال متلاشی شدن است و من سعی ندارم کمکی برای بهبودی این سیر پایین‌رونده باشم، چرا که فکر می‌کنم این من نیستم که تغییری در سیستم به‌وجود می‌آورد، این سیستم است که من را (ما را) در خود می‌سازد، پس این کار احمقانه است، نیست؟»

کرپسس سال پیش ریدیوهد ضرب‌الاجل مورد نظر را برای خود معین کرد و گروه تصمیم گرفت توری را برگزار کند: «ما زمان زیادی را در استودیو صرف می‌کردیم، فقط کار می‌کردیم و پا از استودیو بیرون نمی‌گذاشتیم، در واقع وقتمان را تلف می‌کردیم و این بسیار ناامیدکننده بود. اما ناگهان تصمیم خود را گرفتیم و هر کس به جایی رفت تا خود را برای شرکت در تور آماده کند. ما فقط به یکدیگر گفتیم: بسیار خوب. . . . دو ماه و نیم در تور خواهیم بود! و چند آهنگ نیمه‌تمام داشتیم که باید در کنار هم قرار می‌دادم. این کار به جای تبدیل شدن به ناپوس نت را به‌خودم ندادم.»در ریدیوهد مسئولیت نت‌نویسی با جانی گرین‌وود است. تام فقط نشانه‌هایی که در برنامه‌های کامپیوتری دارد، می‌شناسد: «جانی به‌شدت عقیده دارد که من نباید خواندن و نوشتن موسیقی را یاد بگیرم. او دوستم دارد من یک دانای بی‌سواد باشم.»

تام یورک عقیده ندارد که آلبومش کاملاً تک‌تقره است. او می‌گوید بسیاری از صدا‌های استفاده شده، در طول سال‌ها توسط ریدیوهد ساخته شده‌اند. او شروع به جمع‌آوری اصوات مختلف کرده است و در این مسیر تهیه‌کننده همیشگی گروه لیگل گودریش به‌عنوان ویرایشگر با او همکاری می‌کند. گودریش در این باره می‌گوید: «این کار به نوعی شنیدن همه چیز، برداشتن آنها، مرتب کردن آنها و تبدیل آنها به صدایی موسیقایی است، سپس او می‌تواند در یک قطعه ملودی از آنها استفاده کند. ما این کار را برای هدف مشخص انجام نمی‌دهیم، کس نمی‌منتظر تمام شدن این پروژه نیست، این کار بیشتر شبیه کار دو کودک است که با چیزی بازی می‌کنند.»

ابتدا بیشتر قسمت‌های آلبوم بدون وجود ساز شکل گرفت:

فقط تام بود، با کامپیوترش و صداهایی که جمع‌آوری کرده بود. اما بعد او تصمیم گرفت در قسمت‌هایی درام و گیتار اضافه نماید. آهنگ‌های این آلبوم بافتی تجزیه شده و مخصوص به خود دارند؛ از طرفی بافت آنها به نسبت یک موسیقی کامپیوتری سست است و از طرفی برای اجرا توسط سازهای زنده بسیار ترکیبی: «این موسیقی به نوعی مینی مال است. از آن آثاری نیست که بتوان درباره‌اش گفت به‌شدت برنامه‌ریزی شده، حقیقتاً الکترونیک، زیرکانه یا غیره.»

اعضای ریدیوهد تابستان پیش دوباره دور هم جمع شدند تا بر روی موسیقی جدیدی کار کنند: «ضبط کار جدیدی در میان نبود، هیچ چیزی در میان نبود. . . . این خیلی عالی است که در دروای هیچ چیز نباشد. . . . فقط دور هم جمع شدن.» در پایان سه سپتامبر گروه عکسی از تخته‌سیاه استودیو منتشر کرد که با نام آهنگ‌ها بر پشه بود. اما در نهایت جمع شدن آنها

گزارش

نمی‌خواهم انگلیسی بخوانم

«من نمی‌خواهم به انگلیسی بخوانم، چون نه واقعی است و نه صادقانه. برای من مهم است که احساسم را به زبان مادری‌ام بیان کنم.»

خوانس (Juanes) یکی از بزرگترین و محبوبترین ستارگان موسیقی پاپ و راک آمریکای لاتین، محسوب می‌شود و با چهره‌هایی چون ریکی مارتین، مارک آنتونی و شکیرا در یک سطح قرار دارد، اگر چه شاید کارهایش از لحاظ سبک، تا اندازه‌ای متفاوت باشد و بیشتر رنگ و

بوی موسیقی راک داشته باشد تا موسیقی پاپ. نام خوانس که به خاطر مضمون ترانه‌هایش به باب دیلن کلمبیا شهرت پیدا کرده است، تا همین یکی دو سال پیش در کشورهای اروپایی چندان شناخته شده نبود، با خوانندگان و هنرمندان آمریکای جنوبی محسوب می‌شد، دوازده جایزه Grammy Latin کسب کرده بود، شمار زیادی از ترانه‌هایش در کشورهای اسپانیایی زبان در صدر رده‌بندی ترانه‌های پرفروش روز قرار گرفته و عکس از نیز جلد بسیاری از نشریات معروف بین‌المللی را مزین کرده بود.

اسم خوانس در کشورهای اروپایی زمانی سر زبان‌ها افتاد که مجله معتبر آمریکایی Time او را در فهرست یک صد چهره پرفروش جهان قرار داد.

خوانس در شهر مدلین به دنیا آمد. هج ساله بود که از پدر و برادرهای بزرگترش، نوازندگی گیتار را یاد گرفت. از همان وقت نه تنها شفته این ساز که عاشق طیف گسترده نوای موسیقی آمریکای لاتین شد، از بولروس گرفته تا تانگو. جنگ داخلی خاتمانسوز در کلمبیا و خشونت‌هایی که هنوز هم جزیی از زندگی روزمره کلمبیایی‌ها است، تأثیری قوی بر روح و ضمیر خوانس و همچنین ترانه‌هایش گذاشته است. ضربک‌های شورشگر کلمبیایی یکی از خوشایوندانش را به گروه‌گان گرفتند و به قتل رساندند، یکی از دوستان نزدیک خوانس در نزدیکی یک کلوب به ضرب گلوله کشته شد و مرگ پدر خوانس بر اثر ابتلا به بیماری سرطان هم ضربه‌ای شدید به او وارد کرد. شکی نیست که همین رویدادهای تلخ باعث شد که خوانس در همان سنین نوجوانی شفته موسیقی هوی متال شود و به صف طرفداران اروپا‌قرص گروه پروازره متالیکا بپیوندد. خوانس در سن ۱۴ سالگی به همراه چند تا از دوستانش، یک گروه هوی متال تشکیل داد به اسم Ekhythmos که ۱۱ سال تمام فعالیت داشت و نه تنها اس در رسمی در کلمبیا به هم زد، بلکه توانست طی ۱۱ سال، ۷ آلبوم منتشر کند.

در سال ۱۹۹۹ خوانس تصمیم گرفت که راهی تازه را در پیش گیرد و به همین خاطر با یک گیتار و یک چمدان عازم لس‌آنجلس شد تا تجربیات تازه‌ای به عنوان آهنگساز، ترانه‌سرا و خواننده کسب کند. گوستاو سانتا‌ولالا یکی از تهیه‌کنندگان معروف موسیقی لاتین‌ترو آمریکا لایتن به طور اتفاقی یک نمونه کار خوانس را شنید و چیزی نگذشت که قراردادی بین خوانس و شرکت سورکو بسته شد. در اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی خوانس اولین آلبومش را منتشر کرد؛ آلبومی به اسم Jijate Bien (خوب گوش کن) که در موسیقی قطعات آن، صدای جذاب گیتار با ریتم‌های آمریکایی لاتین پیوند خورده‌اند.

خوانس در ترانه‌های این آلبوم از خشونت روزمره در وطنش، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و مرگ عزیزانش می‌خواند.

دقیقاً همین مضامین بود که مردم کشورش را تحت تأثیر قرار داد و سبب شد که این آلبوم ده هفته تمام در صدر رده‌بندی آلبوم‌های پرفروش روز کلمبیا قرار گیرد. مدت کوتاهی پس از این موفقیت، خوانس پا به عرصه بین‌المللی گذاشت و در اواسط سال ۲۰۰۱ نامزد دریافت

۷ جایزه Grammy Latin شد.

جالب توجه اینکه نامزدی دریافت چنین جایزه معتبر و مهمی خود خوانس را چنان غافلگیر کرد که در لحظه اول ترجیح داد، در مراسم اعلام برندگان و اعطای جوایز شرکت نجوید، از ترس اینکه نکند در گرداب ستارگان پرواززه که در این مراسم حضور پیدا می‌کنند، غرق شود. اما او سر آخر در این مراسم شرکت کرد و سه جایزه Grammy Latin هم به‌دست آورد. از همان سال بود که شهرت خوانس از مرزهای آمریکای لاتین هم فراتر رفت و ایالات متحده را فتح کرد. در ماه مه سال ۲۰۰۲ دومین آلبوم خوانس انتشار پیدا کرد؛ آلبومی تحت عنوان Un Dia Normal (یک روز عادی) که قطعات آن در مقایسه با آلبوم اول کمی شادتر است، چه از لحاظ مضمون ترانه‌ها و چه از لحاظ موسیقی. خوانس در ترانه‌های این آلبوم بیش از همه به موضوعاتی اجتماعی چون اثرات آلودگی و اجتماعی، خانواده، معنویت، و انسان دوستی می‌پردازد. در این آلبوم که در کلمبیا، مکزیک، اسپانیا و حتی آمریکا چندین جایزه صفحه پلاتین نصیبش شد، هم قطعات آرام‌کننده‌اند و هم قطعات پرفور و حال‌راک. آلبوم «یک روز عادی» که نامزد دریافت پنج جایزه Grammy Latin شده بود، هر پنج جایزه را دریافت کرد، جایزه شبکه MTV به بهترین خواننده مرد آمریکای لاتین را برای خوانس به ارعان آورد و تاکنون نیز بیش از ۲ میلیون بار در سراسر دنیا به فروش رفته است. یکی از قطعات موفق و پرفروش این آلبوم که در قالب سی دی تک آهنگی هم منتشر شد، ترانه‌ای است به نام La Camisa Negra (پیراهن سیاه). درخور توجه این‌که نوافشست‌های ایتالیا که اکثر آ پیراهن سیاه بر تن دارند، از عنوان این ترانه سوءاستفاده کردند و آن را به‌گونه‌ای سرودخود تلقی کردند. اما خوانس پیران ازنجار از چنین فکر و تصویری اعلام کرد که است که انسانی در سوگ عشق از دست‌رفته‌اش به تن کرده. خوانس دو سال بعد از انتشار دومین آلبومش برای نخستین بار راهی اروپا شد و دو گسترده‌ای در کشورهای اروپایی از جمله آلمان، فرانسه و انگلیس برگزار کرد. این خواننده ۳۳ساله کلمبیایی در ماه مه کلمبیا ضبط قطعات سومین آلبومش را شروع کرد، آلبومی تحت عنوان Mi Sangre (خون من) که با استقبال درخور توجه منتقدان موسیقی به ویژه در آمریکای لاتین و ایالات متحده روبرو و شد و سه جایزه Grammy Latin دریافت کرد.

مجموعه اصوات فرعی سازبندی شده که دارای رنگ انحصاری محسوس است، نه تنها برای زیبایی صوتی شان مورد توجه قرار می‌گیرد بلکه به جهت ظرفیت پذیری، قابلیت ارائه تمایزات و ترکیب یک گونه با گونه‌های دیگر اسپکترال قابل بررسی است. قطعاتت تاله‌آ ۱۹۸۶ (Talea) برای ویولن، ویولن‌سل، فلورت، کلارینت و پیسانو و Vortex Temporum) در سه ورسوین برای پیانو، ویولن و ویولن‌آلتو و ویولن سل نمونه‌هایی از نمایش ظرفیت‌پذیری موسیقی گریسی هستند. موسیقی اسپکترال واجد یگانگی واقعی و منظم از اصوات ظرفی است که قابلیت سازمان‌یافتن و گسترش زمانمند را دارا است. با این که آثار گریسی تأکید فراوانی بر تداوم و آهستگی دارند اما به هیچ وجه ایستا به نظر نمی‌آیند. تمامی پارامترهایی چون شتاب، فرکانس، تداوم، توجه به حیطه نوسان که در موسیقی سریال فراמוש و نادیده گرفته شده بود در موسیقی اسپکترال مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. ادامه این مطلب سه شنبه آینده منتشر می‌شود.
منبع : *دویچه وله*